

"بسمه تعالی"

نقش مساجد در تعالی اخلاق فردی و اجتماعی

مرتضی رستگار

چکیده

مساجد از جمله مهم‌ترین پایگاه‌های دینی جامعه‌ی اسلامی است. مردم، دولت‌های مسلمان و نخبگان دینی و مذهبی، همواره به این مکان مقدس توجه داشته‌اند. از دیگر سو، رشد و تعالی اخلاق دینی جامعه چه در حوزه‌ی فردی و چه در حوزه‌ی اجتماعی، از اصلی‌ترین دغدغه‌های عالمان و فرهیختگان و سیاستگذاران جوامع مسلمان می‌باشد. این مقاله می‌کوشد عوامل مؤثر در رشد و تعالی اخلاق فردی و اجتماعی و نیز رابطه‌ی آن‌ها با مسجد را تبیین کند. نگارنده بر این عقیده است که؛ ظرفیت‌های کارکردی مناسب مساجد می‌تواند برای رشد و تعالی اخلاق فردی و اجتماعی نقش ایفا کند. این امکان، از طریق برنامه‌ریزی محتوایی و ساختاری به‌روز، در برپایی اجتماعات و برنامه‌های عبادی، آموزشی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و استفاده از ابزارها و رسانه‌های جدید تحقق خواهد یافت.

واژگان کلیدی: مسجد، انسان، اخلاق، تعالی

مقدمه

بی‌تردید موجود زنده چیزی بیش از موجود بی‌جان دارد. اصل این مطلب را منکران روح هم قبول دارند؛ اما آن را به‌گونه‌ای مادی توجیه می‌کنند. ادیان الهی بر دو بعدی بودن انسان و ترکیب او از روح و بدن تأکید دارند. قرآن کریم در آیات فراوانی به ساحت روح و روان انسانی توجه می‌کند. در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون، خداوند پس از ذکر مرحله‌های جسمانی خلقت می‌فرماید: (ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ) که به مرحله‌ی دمیدن روح انسانی اشاره می‌کند.^۱ اسلام از همه پیروانش می‌خواهد که به هر دو بعد روحی و بدنی خود توجه کنند. اما از آن‌جا که انسان برای رسیدن به قرب الهی و جانشینی خدای سبحان آفریده شده است؛ (إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا)^۲ توجه اسلام به روح و تعالی آن، بیش از توجه به جسم بوده است. در اسلام، فقط به منابه‌ی ابزار به بدن توجه می‌شود؛ «قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي». از این‌رو اسلام از همه‌ی پیروانش می‌خواهد به اخلاق اسلامی آراسته شوند و در پرتو دین و اخلاق به کسب تقوا بپردازند.

بدون شک، در مقایسه با ابزاری که خالق حکیم در اختیار انسان‌ها گذارده است، آن‌ها نه تنها کمال نیافته‌اند که به شدت انحطاط اعتقادی و اخلاقی پیدا کرده‌اند. امروزه، با کمال تأسف، کار اصلی بشریت کوشش برای خوب زیستن در سرای مادی است؛ درحالی‌که زندگی حقیقی در تعالی روح و ارتقاء به حیات طیبه و تقرب به خداست. (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً)^۳ کمال آدمی و کیفیت‌های اخلاقی و رفتاری وی واقعیت‌هایی تعیین‌کننده در زندگی و سیر تعالی او هستند؛ به‌همین دلیل شناسایی و توجه به آن‌ها باید در اولویت قرار گیرد. موضوع اخلاق رابطه‌ی انسان با خود، خدا، دیگران و طبیعت را در بر می‌گیرد؛ از این‌رو اصلاح، رشد و تعالی اخلاق به معنای اصلاح همه‌ی روابط انسان در مسیر رسیدن به تعالی واقعی است. در این مسیر، استعدادهای بشر و آرزوهای او باید با «غایت وجودی» و «هدف خلقت» هماهنگ شود. مقدمه‌ی این هماهنگی شناخت موارد زیر است: «نقطه‌های کمال»، «راه‌های رسیدن به آن»، «بایدها» و «نبایدها» و همچنین آگاهی از «هست‌ها» و «واقعیت‌ها تکوینی».

۱ - رک: طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۹.

۲ - بقره: ۱۲۴؛

۳ - نحل: ۹۷.

گفتار اول: مفهوم‌شناسی

• مسجد در لغت

واژه‌ی سجد که از سه حرف سین و جیم و دال ترکیب شده، به معنای سرازیری، فرود آمدن و ذلیل شدن است.^۴ واژه‌ی مسجد اسم مکان همین فعل «سجد یسجد» است. مسجد مفرد مساجد و به کسر جیم خوانده می‌شود. البته واژه‌شناسان بزرگی، همچون فراء، معتقدند که تلفظ این واژه با فتح نیز جایز است؛^۵ اما با این تلفظ تا کنون استعمال نشده است. این کلمه، در فرهنگ‌های لغت، تعریف‌هایی گوناگون دارد که همگی به یک معنا برمی‌گردند. زجاج می‌گوید: کل موضع یتعبد فیه فهو مسجد؛ هر جایی که در آن عبادت شود مسجد است.^۶ در قرآن کریم، این واژه حتی بر عبادتگاه غیرمسلمانان نیز اطلاق شده است: (قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَنْخِذَنَّ عَنْهُمْ مَسْجِدًا)^۷؛ آنان که به معجزه و داستان اصحاب کهف برخوردند، گفتند: بر بالای غارشان مسجدی می‌سازیم.^۸ در جای دیگر می‌خوانیم: مسجد به فتح جیم خوانده به معنای جایگاه عبادت در خانه‌ها و جایگاه نماز جماعت است.^۹

• مسجد در اصطلاح

مسجد در اصطلاح شرعی به مکان معین و موقوف برای نماز اطلاق می‌شود. مرحوم صاحب جواهر می‌نویسد: والمراد بالمسجد شرعاً المكان الموقوف علی كافة المسلمين للصلاة؛ مقصود از مسجد در اصطلاح شرعی مکانی است که برای اقامه نماز تمام مسلمانان وقف شده است.^{۱۰}

• اخلاق در لغت

اخلاق جمع خُلُق و به معنی؛ خوی، طبع، سنجیه، سیرت و باطن انسان است. اما خَلَق به معنی صورت و ظاهر انسان می‌باشد. خُلُق و خَلَق در لغت عرب از یک ماده‌اند.^{۱۱}

۴ - ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۱۳۳.

۵ - الجوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۴۸۴. و قال الفراء: «کل ما کان علی فعل یفعل مثل دخل یدخل فالفعل منه بالفتح، اسماً کان أو مصدرأ و لایقع فیه الفرق.»

۶ - ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۲۰۴-۲۰۶. نیز: ن، ک: فرهنگ فارسی معین، فرهنگ فارسی عمید، لغتنامه دهخدا و...

۷ - سوره کهف، آیه: ۲۱.

۸ - سوره کهف، آیه: ۲۱.

۹ - الزبیدی، تاج العروس، ج ۲، ص ۳۷۱. مسجد بفتح الجیم، محراب البیوت و مصلى الجماعات؛

۱۰ - نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۶۹.

۱۱ - ابن منظور، ج ۱۰، ص ۸۶-۸۷. و ن، ک: فرهنگ فارسی معین و عمید: الخُلُق، بضم اللام و سکونها؛ و هو الدین و الطبع و السجیه، و حقیقتة أنه لصورة الإنسان الباطنة و هی نفسہ و أوصافها و معانها المختصةُ بِها بمنزلة الخُلُق لصورته الظاهرة و أوصافها و معانها؛

• اخلاق در اصطلاح

«ابن مسکویه» معلم اخلاق می‌گوید: اخلاق؛ در اصطلاح علمای اخلاق حالت و ملکه‌ای است که آدمی را بدون نیاز به فکر کردن در انجام کارها تحریک کند، و بر دو قسم است:

۱. قسم طبیعی؛ که به سرشت انسان مربوط می‌شود، مانند کسی که با کوچک‌ترین سختی خشمگین شود یا به هر چیز شگفت‌آوری، به شدت، می‌خندد.

۲. اخلاق ناشی از عادت است که شاید در آغاز با فکر و محاسبه پایه‌گذاری شود ولی بر اثر تکرار و رفته‌رفته، به صورت ملکه‌ای نفسانی و خوبی ثابت درمی‌آید که بی‌اندیشه و انگیزه‌ی قبلی انجام می‌گیرد.^{۱۲}

طبق بیان فوق؛ حالت‌ها و صفت‌های نفس انسان، همچون حالت‌ها و صفت‌های بدن انسان، دو گونه‌اند: برخی ناپایدارند و به سرعت دگرگون می‌شوند و برخی پایدارند و به راحتی تغییر نمی‌کنند. صفت‌های پایدار در اثر تکرار کارهایی خاص در انسان پدیدار می‌شود و به آن «ملکه» گویند. در علم اخلاق، درباره‌ی ملکه‌ها بحث می‌شود و اینکه هر انسان باید کدام صفت نفسانی را در خود تقویت و کدام یک را از خود دور کند. همچنین در علم اخلاق درباره‌ی رفتارهایی سخن گفته می‌شود که با هریک از صفت‌های نیکوی نفسانی متناسب است؛ یعنی افعال خوب و درست از افعال بد و نادرست تمیز داده می‌شود. بنابراین، موضوع علم اخلاق اعم از ملکه‌های نفسانی است که فیلسوفان اخلاق تاکنون روی آن تأکید کرده‌اند؛ بلکه موضوع اخلاق، با توجه به آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت: شامل همه‌ی کارهایی می‌شود که به خوب و بد متصف می‌شوند و موجب کمال و فضیلت و یا رذیلت و نقص در نفس آدمی می‌گردند.^{۱۳}

• تعالی

این کلمه مصدر است و چنانچه به کسر «لام» خوانده شود، به معنای بلندشدن، برترشدن و بلندپایه‌شدن است و اگر به فتح «لام» خوانده شود، صیغه‌ی ماضی و به معنای بلندشد و برتر است؛ چنان‌که درباره‌ی خداوند متعال می‌گویند: «الله تعالی»، «حق تعالی» و...^{۱۴} مقصود از «تعالی اخلاقی»،

۱۲ - حائری تهرانی، مهدی / شیر، سید عبدالله، بنیادهای اخلاق اسلامی، ص ۲۸-۲۹.

۱۳ - برای مطالعه بیشتر ن.ک: فتحعلی خانی، محمد، آموزه‌های بنیادین علم اخلاق، ج ۱، ص ۱۷. / مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۲۴۰.

۱۴ - عمید، حسن، فرهنگ فارسی، ص ۴۴۰.

برخورداری از ویژگی‌هایی است که موجب قرب الی‌الله و سعادت در دنیا و آخرت می‌گردد؛ از قبیل: عدالت، تقوا، شجاعت، عفت، حکمت، استقامت، وفا، صداقت، امانت و غیره.

گفتار دوم: اهتمام به اخلاق

دین اسلام مجموعه‌ی اخلاقی ویژه‌ای دارد که آموزه‌هایی این‌چنین دارد: اخلاص، تقوی، توکل، فروتنی و ترس از خدا. قرآن کریم دو هدف عمده و اساسی، برای ارسال پیامبران، برمی‌شمرد:

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ^{۱۵}

اوست که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیاتش را بر آنان بخواند و آنان را پاک و آراسته گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد.

بنابراین آیه‌ی کریمه، نخستین هدف فرستادن پیامبر اسلام ۶ آراستن مردم به ویژگی‌های خوب و سپس آموزش حکمت بود. بر اساس متون دینی، ارزش‌های اخلاقی اسلام از ایمان به خداوند و توحید نشأت می‌گیرد. عامل ایمان موجب رسوخ اخلاق در فرد فرد مسلمانان می‌شود. در فرهنگ دینی، مسلمان و مؤمن برای جلب رضایت خداوند و گرفتن پاداش، خود را با اخلاق نیکو می‌آراید. در متون دینی، بین اخلاق و ایمان ارتباطی محکم وجود دارد. امام باقر ۷ ضمن تأکید بر این ارتباط می‌فرماید:

«إِنَّ أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا»^{۱۶} ایمان کسانی کامل‌تر است که اخلاق آن‌ها از همه

بهتر باشد.

در دین اسلام، اخلاق اهمیتی ویژه دارد؛ به‌گونه‌ای که پیامبر اکرم ۶ هدف رسالت خود را کامل‌کردن اخلاق شایسته می‌داند:

«إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»^{۱۷}

خداوند مرا مبعوث کرده است تا اخلاق نیکو را کامل کنم.

اخلاق نیکو سبب می‌شود خداوند نیز علاقه‌ی بیشتری به انسان داشته باشد. پیامبر اکرم ۶ در پاسخ این سوال که اسلام کدام یک از بندگان کامل‌تر است فرمود:

«إِنَّ أَحْسَنَ النَّاسِ إِسْلَامًا أَحْسَنُهُمْ أَخْلَاقًا»^{۱۸} کسی که اخلاقش از همه بهتر باشد.

۱۵ - سوره جمعه، آیه: ۲.

۱۶ - شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۹۹.

۱۷ - محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۸۷.

۱۸ - ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۱۰.

هم‌چنین، اخلاق نیکو موجب می‌شود کفه‌ی ترازوی اعمال خوب انسان، در روز قیامت، سنگین‌تر شود. وجود مبارک پیامبر اکرم ۶ می‌فرماید:

«مَا يُوضَعُ فِي مِيزَانِ امْرِئٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَفْضَلُ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ»^{۱۹} در ترازوی اعمال انسان در

روز قیامت، هیچ چیزی سنگین‌تر از اخلاق حسنه نیست.^{۲۰}

در نگاه رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی نیز اخلاق جایگاه مهمی دارد؛ به‌گونه‌ای که ایشان در سخنان نوروزی سال ۱۳۸۵ فرمودند: «جامعه بدون برخورداری افراد از خلقیات نیکو، نمی‌تواند به هدف‌های بعثت پیامبر دست پیدا کند. آنچه فرد و جامعه را به مقامات عالی انسانی می‌رساند، اخلاق نیکوست.»

گفتار سوم: رابطه اخلاق فردی و اجتماعی

ارتباط با مردم و کنش اجتماعی یکی از مهم‌ترین میدان‌هایی است که آدمی باید در آن به خودسازی و پرورش توانایی‌هایش بپردازد. در این عرصه، انسان می‌تواند در اثر ارتباط با انسان‌های دیگر ارزش‌های خود را بنمایاند، فضیلت‌های اخلاقی و کمال‌های انسانی را در خویش نهادینه کند و به شکوفایی توانایی‌هایی دیگران نیز کمک کند. صحنه‌ی اجتماع، عرصه‌ی تعاملی گسترده است که در آن همه‌ی انسان‌ها، در سطوح مختلف و در همه‌ی حوزه‌ها، در شبکه‌ای فعال به شکوفایی توانایی‌های یکدیگر کمک می‌کنند. هدف این نظام توانمندسازی فرد و جامعه‌ی انسانی در ابعاد گوناگون است. روشن است که در عرصه‌ی تعامل اجتماعی، اخلاق خوش جایگاه ویژه‌ای دارد. خوش اخلاقی اولین نمود توانایی شخصیت انسانی و پرورش‌یافتگی او در حوزه‌ی ارزش‌های انسانی و اخلاقی است. جابر بن عبدالله انصاری از رسول اکرم ۶ نقل می‌کند که فرمود:

«مِنْ أَخْلَاقِ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ الْبَشَاشَةُ إِذَا تَرَاءَوْا وَالْمُصَافِحَةُ إِذَا تَلَاقَوْا»^{۲۱}

اخلاق پیامبران و راست‌گویان آن‌گونه است که هنگام دیدن دیگری خوشرو هستند و هنگام ملاقات با یکدیگر دست می‌دهند.

از این رو، بی‌شک اخلاق فردی مقدمه‌ی اخلاق اجتماعی است. امروزه، همه‌ی جامعه‌شناسان بر آنند که در جامعه، اخلاق فرد مقدم بر اخلاق اجتماع است؛ زیرا اجتماع از افراد ساخته می‌شود. امام علی ۷ در جمله‌ای بسیار زیبا می‌فرماید:

«مَنْ لَمْ يُصْلِحْ نَفْسَهُ لَمْ يُصْلِحْ غَيْرَهُ»^{۲۲}

۱۹ - شیخ کلینی، پیشین.

۲۰ - شیخ کلینی، پیشین.

۲۱ - ورام بن ابی فراس، پیشین، ج ۱، ص ۲۹.

کسی که خود را اصلاح نکند نمی‌تواند دیگران را اصلاح کند.

یکی از کشیش‌های بزرگ مسیحی، هنگام مرگ، وصیت می‌کند روی سنگ قبرش بنویسند:

«روزگاری وقتی که کودکی بودم آروز داشتم دنیا رو اصلاح کنم. وقتی به نوجوانی رسیدم، دیدم دنیا خیلی بزرگ است؛ اگر قاره خودم را اصلاح کنم، کافی است. بعد که به جوانی رسیدم، دیدم یک قاره خیلی بزرگ است و از عهده‌اش بر نمی‌آیم؛ اگر کشورم را اصلاح کنم، بس است. بعد که به دوره‌ی میان‌سالی رسیدم، دیدم کشورم خیلی بزرگ است و بهتر است شهرم را اصلاح کنم. وقتی پیر شدم، دیدم یک شهر هم خیلی بزرگ است؛ اگر خانواده‌ی خودم را اصلاح کنم، بهترین کار است. الان که از دنیا می‌روم، به این نتیجه رسیدم که اگر از همان اول خودم را اصلاح می‌کردم، همه‌ی دنیا اصلاح می‌شد.»^{۲۲}

اخلاق اجتماعی به زندگی فردی و اجتماعی انسان معنا و سامان می‌بخشد، و روابط را تنظیم می‌کند. از این رو کسانی که اخلاق اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهند بیش از دیگران حقوق اجتماعی و مصالح جامعه را رعایت می‌کنند و افرادی مسئولیت‌پذیر، با وجدان و منظم هستند.

گفتار چهارم: عوامل تعالی اخلاق

۱. انسان‌شناسی

مشکل اساسی در راه رشد و تعالی انسان‌ها و تهذیب و تربیت اخلاقی آنان، ناآگاهی از ساختار آدمی است. فقط معرفت دینی است که از چگونگی ساختار آدمی پرده برمی‌دارد. دین دنیای درونی انسان، راه تکامل اخلاقی و عوامل انحطاط را به بشریت می‌نمایاند. ناکامی دانشمندان اجتماعی در شناخت رفتار و اعمال انسان و سایر پدیده‌های انسانی - اخلاقی معلول آن است که ساختار جامع آدمی را نمی‌شناسند و در بیشتر مواقع فقط بُعدی از ابعاد وجودی انسان را می‌شناسند؛ در حالی که انسان افزون بر آن که موجودی زنده و دارای فعالیت‌های زیستی تغذیه، تنفس و دفع است، کانون تشعشع معنوی نیز هست و پدیده‌هایی چون شفقت، ایثار، نیکوکاری و شهادت‌طلبی را می‌آفریند. تقرب به خدای متعال، تقوا و ایمان بسیار برتر از توجه به لذت‌های مادی است. زیست‌شناسان و علمای طبیعی بر این عقیده‌اند که موفقیت در زندگی عبارت از نیرو، کارآیی بدن، بقای نسل و ازدیاد هوش است؛ اما تعلیم خداوند این است که اگر انسان رشد نیابد، به کمال نرسد و برای هم‌نوعانش سودمند نباشد، زیانکار و

۲۲ - تمیمی آمدی، عبدالوهاب، غررالحکم، ص ۲۳۷.

۲۳ www.golbargeshabane.blogfa.com

ناموفق خواهد بود. موفقیت واقعی نصیب مؤمنان پرهیزگاری می‌شود که به تعبیر قرآن کریم در نمازشان خاشع‌اند، از کار بیهوده روی می‌گردانند، زکات را می‌پردازند، حافظ عفت جامعه و امانت‌دارند. این گروه مالک بهشت و در آن جاودان هستند.^{۲۴}

۲. خودشناسی

در جهان‌بینی اسلامی، شرط اول برای تعالی و همانندی به اخلاق الهی خودشناسی است. خودشناسی مستلزم این است که انسان بتواند خود را از دیگران بازشناسد و مرتبه‌اش را در برابر آنان مشخص کند. این بازشناسی باید براساس ارزیابی شخصیت خود و دیگران انجام گیرد. برای این کار ابتدا باید رفتارها و اعمال را رده‌بندی کنیم و شخصیت‌ها را که منشأ رفتار و عمل‌اند طبقه‌بندی کنیم؛ سپس باید ربط هر نوع رفتار را با انواع شخصیت در یابیم. با چنین کاری به راز چگونگی شکل‌گیری شخصیت‌ها پی می‌بریم و درمی‌یابیم که شخصیت هر کسی با اراده‌ی آزادانه‌ی خودش شکل می‌گیرد. اراده سبب ظهور رفتارهای عاطفی، ادراک حسی یا یادگیری، حافظه و یادآوری و رفتارهای عقلی و نیز کردارها یا اعمال خاصی می‌شود که در نفس فرد انسجام می‌یابند. دانشمندان غیرمتدینی که در راه شناخت اخلاق و سلوک آدمی می‌کوشند به ناتوانی خود در شناسایی ساختار انسان معترف‌اند. حل بحران خطرناک کنونی که گریبان بشر را گرفته است به انسان‌شناسی دینی نیاز دارد؛ انسان‌شناسی‌ای که به مسأله‌ی رشد اخلاق الهی و موانع آن می‌پردازد. خداوند توانایی‌های زیادی به انسان بخشیده است که به کمک آن می‌توان به خدا نزدیک شد؛ اما فقط دین از این توانایی‌ها آگاه است.

۳. دین‌مداری

دین محکم‌ترین ریسمان الهی است که انسان فقط با تمسک به آن می‌تواند به هدف والای خویش، مقام خلیفه‌اللهی برسد. اما مسئله‌ی اصلی این است که دین چگونه توانسته است قدرت انسان را زیاد کند و او را در مقابل لذت‌های دنیایی، عصیان و سرکشی بیمه کند؟ می‌توان به دو راهکار نظری و عملی دین اشاره کرد:

الف) در راهکار نظری، دین به سه مقوله‌ی مهم توجه می‌کند: ترسیم بدی‌ها و خوبی‌ها، ترسیم پاداش، عقوبت و مجموعه‌ی معارف بنیادین.

۲۴ - سوره مومنون، آیات: ۱-۱۱.

ب) در راهکار عملی، دین از طریق تبلیغ و امر به معروف و نهی از منکر برای این مهم می‌کوشد. اگر چه بعضی از این موارد ظاهری فردی و بعضی دیگر ظاهری اجتماعی دارند، لیکن هر دو درهم تنیده شده‌اند و جدا ناپذیرند.

هر جامعه افکار و باورهای خاصی دارد و رفتارهای مناسب و نیکو را تعیین می‌کند. به این رفتارها «هنجارهای اجتماعی» گفته می‌شود و تخلف از آنها را «انحراف اجتماعی» می‌گویند. دین نیز که نظامی الهی و در قالب کتاب و سنت نازل گردیده است، معیارها و هنجارهایی برای اندیشه، احساس و عمل دارد. گاه هنجارهای جامعه با هنجارهای دین مخالف است یا آن‌که برخی از هنجارهای دینی فراموش می‌شود و جامعه دچار مشکل می‌شود. دین نه تنها در صدد حفظ هنجارهای اجتماعی مخالف با هنجارهای دینی نیست، بلکه با آن هنجارها مبارزه نیز می‌کند؛ لذا انبیا را به مبارزه با بت‌پرستی فرا می‌خواند که مطابق هنجارهای اجتماعی قوم‌شان بود.

شان هدایت‌گری دین اقتضا می‌کند که از هنجارهای اجتماعی غیر دینی (نه مخالف و مغایر دین) حمایت نکند؛ زیرا بی‌ارتباط با وظیفه‌ی هدایت است. یکی از اهداف مسلم دین که در آیات متعدد قرآن کریم بر آن تأکید شده است، هدایت و راهنمایی انسان به سوی شناخت و عبودیت پروردگار است. راهنمایی انسان از طریق رعایت و عمل به احکام، دستورها و هنجارهای خاصی مبتنی گشته است و بدون رعایت آن‌ها هدایت ممکن نیست. در واقع، موضع بی‌تفاوتی قائل شدن برای دین در مبارزه با انحراف‌ها به منزله‌ی در نظر نگرفتن شأن هدایت‌گری دین است. از یک‌سو، دین با ارائه‌ی علوم و معارف خاص و از سوی دیگر با توصیه به اعمال و رفتارهای ویژه، نقش مؤثری را در بازداشتن افراد از انحراف‌ها بازی می‌کند.

شناخت‌هایی که دین می‌دهد و مانع انحراف افراد می‌شود در سه مقوله جای دارد:

۱. ترسیم ساز و کار پاداش و عقوبت؛

۲. بدی و خوبی؛

۳. شناخت‌های بنیادین.

دین برای افراد مؤمن، نیکوکار و به طور کلی برای کسانی که دستورهای دینی را به خوبی رعایت می‌کنند، متناسب با میزان پایداری آنان بر هنجارهای مذکور، پاداش‌هایی معرفی می‌کند؛ چه پاداش دنیوی و چه پاداش اخروی. پاداش‌هایی چون نعمت‌های بهشتی، احساس رضایت‌مندی، سرور و افتخار، جلب توجه الهی، به دست آوردن یقین، اطمینان و آرامش، برخوردارگی از کمک‌های ویژه‌ی الهی در دنیا و برخوردارگی از هدایت بیشتر الهی. در مقابل، دین عقوبت‌هایی را برای کفار، بدکاران و

کسانی ترسیم می‌کند که از هنجارهای دینی سر می‌پیچند؛ مثل عذاب‌های اخروی، پشیمانی و سرافکندگی، برخوردار نبودن از نگاه، توجه و رضایت الهی، و شک، تردید و ناآرامی.

۴. جهاد و مجاهده

چنانچه بیان شد، در دیدگاه اسلام، انسان موجودی دو بعدی است و یکی از لوازم رسیدن به سعادت در دنیا و آخرت، رشد اخلاقی است. خالق یکتا نیز مردم را در کسب صفات خوب و در مبارزه با شهوات تنها نمی‌گذارد؛ بلکه با کمک‌های عملی و معنوی آنان را در راه رسیدن به هدف یاری می‌کند. در بُعد عملی، خداوند آنان را به کار و جهاد فرا می‌خواند و اشتغال و سرگرم‌شدن را یکی از راه‌های عملی مبارزه با غریزه‌ی شهوت می‌داند. البته، در اسلام، جهاد انواعی مختلف دارد:

۱. جهاد با دشمنان خارجی^{۲۵}

۲. جهاد با ستم‌کاران داخلی^{۲۶}

۳. جهاد با منکرات^{۲۷}

۴. جهاد با نفس؛ سه قسم نخست در روایات «جهاد أصغر» است و جهاد بزرگ، به تعبیر مربی بشریت خاتم‌الانبیاء^۶ جهاد با نفس است که زحمت و تلاش آن به مراتب بیش‌تر است.

۵. عبادت

یکی از راه‌کارهای فردی برای تعالی اخلاق فردی «عبادت» است؛ هر کسی می‌تواند با عبادت خودش را از انحراف دور کند. دین اعمالی را توصیه می‌کند که باعث درونی‌شدن شناخت می‌گردد؛ اعمال و عباداتی مانند: تلاوت روزانه‌ی قرآن کریم، اقامه‌ی نمازهای پنج‌گانه و نافله‌ها، تفکر در خلقت آسمان و زمین، حج، روزه، صله‌ی رحم و به طور کلی همه‌ی افعالی که عبادت و اطاعت خداوند هستند. قرآن کریم نیز در آیات زیادی درباره‌ی تأثیر رفتار بر باورها سخن گفته است؛ برای نمونه، عبادت پروردگار را - که از مقوله‌ی رفتار و عمل است - موجب «یقین» می‌داند. در مقابل، قرآن پیروی از هواهای نفسانی را عامل انکار عالم آخرت و تکذیب آیات الهی معرفی می‌کند. بنابراین، هر عملی که اطاعت و

۲۵ - سوره انفال، آیه ۶۰. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ.»

۲۶ - سوره هجرات، آیه ۹. «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتَا إِحْدَاهُمَا عَلَى الْآخَرَى ففَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ.»

۲۷ - احسان، ابن ابی‌الجمهور، عوالی‌اللاالی، ج ۱، ص ۴۳۱. «عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ لَيْسَ وَرَاءَ ذَلِكَ شَيْءٌ مِنَ الْإِيمَانِ وَفِي رِوَايَةٍ إِنْ ذَلِكَ أضعفُ الْإِيمَانِ.»

عبادت خداوند باشد، موجب باور قلبی انسان به وجود خداوند می‌شود که اساس معارف بنیادین است. در نتیجه، توصیه‌های فردی موجب درونی‌شدن معارف بنیادین می‌گردد.

اسلام هدف از آفرینش جن و انس را عبادت معرفی می‌کند: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^{۲۸}؛ انسان و جن را جز برای پرستش نیافریدیم. عبادت، به انسان برای انجام نیکی‌ها و رسیدن به اهداف بلند انسانی کمک می‌کند؛ هدف‌هایی که فرد به تنهایی و بدون کمک نمی‌تواند بدان دسترسی پیدا کند. توجه به آن مقدار از فلسفه‌ی عبادت که در آیات و روایات ذکر شده است به ما نشان می‌دهد که عمل به عبادت، در واقع قدم برداشتن در مسیر تعالی اخلاقی است؛ برای مثال نماز از فحشا و منکر باز می‌دارد؛ روزه برای تقویت اراده یا نیروی «بازدارنده» است؛ و زکات نوعی کنترل شهوت مال و دوری از بخل، خودخواهی و خوددوستی است.

گفتار پنجم: نقش مسجد در تعالی اخلاقی

مسجد الگوی ارزش‌گذاری، پایگاه عمومی مسلمانان و محل حضور قشرهای مختلف جامعه است؛ و از این رو جایگاه مناسبی برای احیای ارزش‌های فراموش شده است، همکاری اجتماعی مسلمانان و مشارکت آنان در برطرف کردن نارسایی‌ها و آسیب‌های اجتماعی. مسجد پایگاه تبلیغ دین اسلام است. بسیاری از صفات فردی - اجتماعی در مسجد آموخته می‌شود؛ همانند: اخلاص، درست‌کاری، ساماندهی زندگی، نظم و تقوی. به طور معمول، افرادی که بیشتر به مسجد می‌روند، کمتر حقوق دیگران را ضایع می‌کنند، زندگی‌شان نظم بهتری دارد و آثار و رفتار دینی در زندگی اجتماعی آنان نیز به چشم می‌خورد. در حقیقت، مکان مسجد دو جلوه‌ی متفاوت دارد و دو گونه‌ی رفتاری در این مکان ویژه متجلی می‌گردد که در امر تعلیم و تربیت و جهت‌دهی رفتارهای فردی و جمعی بسیار مؤثر است.

الف: جلوه ظاهری

در مکتب تربیتی اسلام، انزواطلبی و جمع‌گریزی، جهت تعالی اخلاقی، نکوهش شده است. امروزه نیز انزواطلبی را بیماری روحی می‌دانند. در مقابل، اجتماعی‌بودن و جمع‌گرایی معقول - به‌ویژه در میان خویشاوندان - نشانه‌ی سلامت روح و روان آدمی و تعادل فکری وی به شمار می‌آید. در جلوه‌ی ظاهری مسجد، رفتارها، اعمال و روابط پسندیده‌ی دینی و مقبول شرع رخ می‌نماید. ویژگی مساجد که در مقابل دیگر مکان‌ها مکان مقدسی به‌شمار می‌رود در این است که "ماهیت مسجد" علاوه بر این‌که محلی برای تجمع و همبستگی جمعی است، هنگامی که انسان‌ها به‌صورت جمعی مناسک و فرایض

۲۸ - سوره ذاریات، آیه ۵۶.

دینی را انجام می‌دهند، رفتارهای جمعی دوستانه‌تر و عمومی‌تری نمایش داده می‌شود. چنین امری زمینه‌ی تعالی اخلاقی افراد در دو حوزه‌ی فردی و اجتماعی را به‌دنبال دارد.

ب: جلوه پنهانی

در جلوه‌ی پنهانی مسجد، رفتارهای شخصی، غیرجمعی و کنترلی رخ می‌دهد. هنگامی که افراد به‌صورت فردی در مسجد ظاهر می‌شوند، خود به‌خود به محاسبه، کنترل و بررسی رفتارهای فردی خود می‌پردازند. سادگی بنا، عدم تعلق آن به انسان، انتساب آن به ذات باری تعالی و برخورداری از تقدس معنوی خاص، فرد را به درون خود ارجاع می‌دهد و زمینه‌ی اصلاح رفتاری و فکری او را فراهم می‌آورد. بر این‌اساس، حضور جمعی و حضور فردی در مسجد رفتارهای مطلوب فردی و جمعی را در فرد برمی‌انگیزد و مقدمه‌های تعالی اخلاق فردی و اجتماعی را فراهم می‌آورد.

جمع‌بندی

می‌توان برای مسجد نقشی دوگانه قائل شد:

نقش اول؛ کمک به اصلاح و انجام رفتارهای جمعی است. افراد با حضور در مسجد و انجام فعالیت‌های عبادی و آیین‌ها هویت جمعی خود را سامان می‌بخشند.

نقش دوم؛ نقش تربیتی مساجد است، که این نهادهای مقدس در زمینه‌های روحی ایفا می‌نمایند. آن‌گاه که مؤمن به مسجد وارد می‌شود، در فضایی قرار می‌گیرد که آکنده از قداست و طهارت، کانونی ساده و عاری از پیرایه‌های مادی و انباشته از جلوه‌های معنوی و الهی است. واکاوی احوال شخصی و مراقبت بر گناه نکردن در مسجد، نوعی تمرین توجه به خدا، مبارزه با نفس، ترک گناهان و انجام کارهای خیر است. علاوه بر این‌که، چون در مسجد روحیه‌ی کارهای گروهی وجود دارد، آثار سازنده و تربیتی حضور در مسجد، به تدریج، به دیگر رفتارهای فرد نیز سرایت می‌کند. افزون بر آن‌که، مسجد معمولاً جایگاه طرح مشکلات و نارسایی‌های اجتماعی است و به‌طور طبیعی حضور در چنین مکانی روح تعهد و دردمندی را در فرد می‌دمد. پرورش این خوی پسندیده در اشخاص، نوعی مبارزه با روحیه‌ی بی‌تعهدی و بی‌مسئولیتی است؛ روحیه‌ای که هرگاه در افراد جامعه پدیدار گردد، آسیب‌های جدی و اساسی بر پیکره‌ی جامعه وارد می‌شود. در نگاه یکی از پژوهش‌گران علوم اسلامی، گرچه امروزه مسجد دارای مکان مشخص و مخاطبان خاص است اما مسجد دو کار باید بکند:

اول؛ ساماندهی معرفتی مخاطبین خاص و ایجاد نظام ارتباطی (چهره‌به‌چهره) که کارآمدترین نظام ارتباطی و مبتنی بر معرفت حقیقی است؛ نه مجازی که نظام معنایی خود را در جامعه گسترش می‌دهد. دوم، مسجد می‌تواند (بلکه باید) از رسانه‌های جدید به عنوان ابزار استفاده نماید. [چرا که] مهم‌ترین

خصلت مسجد «تولید پیام» است و پیام یک نرم‌افزار است که می‌تواند از طریق نظام ارتباط محدود و مشخص (چهره‌به‌چهره خود مسجد) به مخاطب برسد و هم می‌تواند از ابزارهای پیام‌گستر چون رسانه‌های مدرن استفاده نماید. اگر این فرضیه را که رسانه‌های تکنولوژیک به خودی خود و صرفاً از این جهت که ابزار هستند، خنثی می‌باشند و این پیام است که غایت و نوع آن‌ها را مشخص می‌کند بپذیریم، در آن صورت رسانه‌های جدید و شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی ابزارهایی هستند که می‌توانند در "خدمت مساجد" نیز قرار بگیرند و نظام معنایی اسلام را به جهانیان ارائه دهند و کاربران را با شبکه‌ای از لایه‌های معرفت یقینی آشنا سازند که حاوی یک رویکرد معنوی برای انسان معاصر گریزان از هجمه است.^{۲۹}

به طور طبیعی، اگر استفاده از ابزارهای مختلف روز به رشد و تعالی اخلاق فردی و اجتماعی بیانجامد، مطلوب و پسندیده است.

۲۹ - فرهنگیان، مجتبی، نقش مسجد در نزاع دین و جهانی شدن، ص ۶۷۷. فروغ مسجد ۶، مرداد ۱۳۸۷.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن فارس، معجم مقائیس اللغة، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن منظور، لسان العرب، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۵ق
۳. احسائی، ابن ابی الجمهور، عوالی اللآلی، قم، انتشارات سیدالشهداء، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۴. تمیمی آمدی، عبدالوهاب، غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ش.
۵. الجوهری، الصحاح.
۶. حائری تهرانی، مهدی، شیر، سید عبدالله، بنیادهای اخلاق اسلامی.
۷. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه.
۸. الزبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، المكتبة الحیاء.
۹. شیخ کلینی، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵ش.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، اسماعیلیان.
۱۱. عمید، حسن، فرهنگ فارسی.
۱۲. فتحعلی خانی، محمد، آموزه‌های بنیادین علم اخلاق.
۱۳. فروغ مسجد ۶، مرکز رسیدگی به امور مساجد، ثقلین، مرداد ۱۳۸۷.
۱۴. محدث نوری، مستدرک الوسائل، قم، آل‌البتیت، ۱۴۰۸ق.
۱۵. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۶. معین، محمد، فرهنگ فارسی.
۱۷. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، دارالکتب الاسلامیة، آخوندی ۱۳۶۵.
۱۸. ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، قم، مکتبة الفقیه.
۱۹. <http://www.golbargeshabane.blogfa.com/> ۸۰۴.aspx

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد